



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ انقلاب اسلامی

عنوان:

## انقلاب اسلامی در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی

استاد راهنما:

دکتر علیرضا ملائی توانی

استاد مشاور:

دکتر حمید بصیرت منش

پژوهشگر:

احمد معصومی

ماه/ سال تحصیلی:

شهریور ۱۳۹۲

کلیه حقوق مادی و معنوی این پایان‌نامه متعلق به پژوهشکده می‌باشد.

چاپ پایان‌نامه و استخراج مقاله از پایان‌نامه باید به نام پژوهشکده، با تأیید استاد راهنما و با مجوز معاونت پژوهشی باشد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



باسمه تعالی

**صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد**

با حمد و سپاس به درگاه خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولیعصر (عج) و با درود و سلام به روان پاک حضرت امام خمینی (س) جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

آقای احمد معصومی دانشجوی رشته تاریخ انقلاب اسلامی

تحت عنوان: «انقلاب اسلامی در تاریخ نگاری نهضت آزادی»

در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۲ با حضور هیأت داوران در پژوهشکده امام خمینی (س) برگزار گردید و به موجب آیین نامه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد، ارزشیابی هیأت داوران به شرح زیر تعیین گردید:

قبول با درجه بسیار خوب امتیاز: ۱۸.۷.۸۵  دفاع مجدد  مردود

قبول مشروط با درجه: (با اصلاح)..... امتیاز:..... مرجع تأیید نهایی:

شرح اصلاحات مورد نیاز:

-۱

-۲

توضیح: بنا به مصوبه کمیسیون تخصصی آموزش و پژوهش پژوهشکده امتیاز پایان نامه‌ها به شرح زیر مشخص میگردد:

الف) قابل قبول از	۱۴ به بالا	۱۹-۲۰	۳- قبول با درجه خوب	۱۶-۱۷/۹۹
۱- قبول با درجه عالی				
۲- قبول با درجه بسیار خوب	۱۸-۱۸/۹۹		۴- قابل قبول	۱۴-۱۵/۹۹
ب) مردود	کمتر از ۱۴			

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما:	جناب آقای دکتر علیرضا ملایی	دانشیار	
۲- استاد مشاور:	جناب آقای دکتر حمید بصیرت منش	استادیار	
۳- استاد داور:	جناب آقای دکتر سید هاشم آقاجری		
۴- استاد داور:	جناب آقای دکتر محسن بهشتی سرشت		

امضاء مدیریت تحصیلات تکمیلی

امضاء نماینده تحصیلات تکمیلی

امضاء کمیته گروه

چکیده

پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
رشته تحصیلی: تاریخ انقلاب اسلامی
عنوان پایان نامه: انقلاب اسلامی در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی
نام و نام خانوادگی دانشجو: احمد معصومی
استاد راهنما: جناب آقای دکتر علیرضا ملایی
استاد مشاور: جناب آقای دکتر حمید بصیرت منش
تاریخ شروع پایان نامه: اسفند ۱۳۹۱
تاریخ اتمام پایان نامه: مهر ۱۳۹۲
<p>پایان‌نامه حاضر با عنوان «انقلاب اسلامی در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی» در صدد بررسی این مسأله است که پدیده انقلاب اسلامی چگونه در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی بازآفرینی شده است. برای پاسخ گفتن به این مسئله نگارنده کوشیده است با بهره‌گیری از نظریه گفتمانی لاکلا و موفه، نحوه بازآفرینی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ را در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی تبیین کند و روایت نهضت آزادی را از فرایند شکل‌گیری انقلاب، سیمای حکومت پهلوی، بازیگران و رهبران انقلاب و نیز آرمان‌های انقلاب اسلامی بازگو کند. پایان‌نامه در نهایت با ارائه‌نمایی کلی از روایت انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی و بررسی بینش و روش حاکم بر این تاریخ‌نگاری به این نتیجه می‌رسد که نهضت آزادی به عنوان یک بازیگر اصلی در پدیداری انقلاب اسلامی از تاریخ‌نگاری خاص خود برخوردار بوده و با رویکرد مخصوص خود در صدد بازآفرینی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ برآمده است.</p> <p>واژگان کلیدی: گفتمان نهضت آزادی، تاریخ‌نگاری نهضت آزادی، انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، امام خمینی، روحانیت، استبداد</p>

## ABSTRACT

### Research Institute of Khomeini and Islamic revolution

Degree: Master Degree
Discipline: History of Islamic Revolution
Thesis: Islamic revolution in the historiography of the freedom movement
Student: Ahmad Masomi
Supervisor: Dr. Molay Tavani
Advisor: Dr. Basirat Manesh
Start Date: March 2012
End Date: October 2013
<p>The present thesis entitled "The Islamic Revolution in the historiography of the freedom movement" that seeks to examine the question of how the Islamic Revolution phenomenon in the history of freedom movement is recreated. The author has tried to answer this question using Lakla and Mouffe's theory of discourse, to recreate the 1357 Islamic Revolution in Freedom Movement, explaining the history and tradition of the freedom movement, the formation process, Sima Pahlavi, actors and leaders of the Revolution can tell the ideals of the Islamic Revolution. Finally, the thesis provides an overview of the historical narrative of the Freedom Movement of 1357 Islamic Revolution and the Vision and the historians to conclude that the Freedom Movement as a main actor in the emergence of the Islamic Revolution and has its own historical approach re going to have come into its own 1357 Islamic Revolution.</p> <p>Key words: discourse, freedom of movement, freedom of movement, historian, 1357 Islamic Revolution, Imam Khomeini, the spiritual despotism</p>

## ملخص

### بحث الإمام الخميني و ثورة الإسلاميه

المقطع الدراسي: الماجستير
الفرع التحصيلي: التاريخ ثورة الإسلاميه
اسم المراه: الثورة الإسلاميه فى التاريخ للحركة الحريه
اسم الطالبه: احمد معصومى
الاستاذ المرشد: دكتور عليرضا ملايى
الاستاذ المستشار: دكتور حميد بصيرت منش
التاريخ الابتداء المراه: جمادى الاول ١٤٣٣
التاريخ اتمام المراه: ذيقعه ١٣٣٤
<p>الأطروحة الحالية بعنوان "الثورة الإسلاميه فى التاريخ للحركة الحريه" التى تسعى إلى دراسة مسأله كيف يتم إنشائها ظاهرة الثورة الإسلاميه فى تاريخ حركة الحريه. وقد حاول المؤلف الإجابة على هذا السؤال باستخدام ونظريه موف من الخطاب، لإعادة الثورة الإسلاميه فى 1357 حركة الحريه، شرح تاريخ وتقاليد حركة الحريه، وعملية تشكيل، سيما بهلوى، والجهات الفاعله وقاده الثورة يمكن أن أقول المثل العليا للثورة الإسلاميه. وأخيرا، يقدم أطروحة لمحاه عامه عن السرد التاريخى للحركة الحريه من 1357 ثورة الإسلاميه والرؤيه والمؤرخين أن نستنتج أن حركة الحريه باعتبارها الفاعل الرئيسى فى ظهور الثورة الإسلاميه ومقاربتها التاريخيه الخاصه ستكون لدينا حيز الخاصه بها 1357 الثورة الإسلاميه.</p> <p>الكلمات الداله: الخطاب، وحريه التنقل، وحريه التنقل، مؤرخ و ١٣٥٧ ثورة الإسلاميه، الإمام الخميني، والاستبداد الروحى</p>

## فهرست اجمالی

پیشگفتار.....	۱
فصل اول: چارچوب نظری و ادبیات پژوهش.....	۶
فصل دوم: گونه شناسی منابع تاریخ‌نگاری نهضت آزادی.....	۲۱
فصل سوم: مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری نهضت آزادی.....	۴۳
فصل چهارم: حاکمیت پهلوی در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی.....	۷۴
فصل پنجم: بازیگران تاریخی انقلاب ۱۳۵۷ در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی.....	۸۷
فصل ششم: پدیده انقلاب اسلامی در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی.....	۱۳۳
نتیجه‌گیری.....	۱۵۱
فهرست مراجع.....	۱۵۳

## فهرست تفصیلی

۱	پیشگفتار.....
۶	فصل اول: چارچوب نظری و ادبیات پژوهش.....
۶	گفتار اول: روش، نظریه و ادبیات پژوهش.....
۱۹	گفتار دوم: نقد و بررسی مراجع.....
۲۱	فصل دوم: گونه شناسی منابع تاریخ‌نگاری نهضت آزادی.....
۲۲	درآمد.....
۲۵	گفتار اول: خاطرات.....
۳۲	گفتار دوم: کتاب‌ها.....
۴۰	گفتار سوم: اسناد.....
۴۱	گفتار چهارم: نشریات.....
۴۳	فصل سوم: مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری نهضت آزادی.....
۴۴	درآمد.....
۴۵	گفتار اول: تاریخی‌گری.....
۵۳	گفتار دوم: تسلسل‌گرایی.....
۶۰	گفتار سوم: سیاست و قدرت.....
۶۵	گفتار چهارم: تبرئه.....
۷۴	فصل چهارم: حاکمیت پهلوی در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی.....
۷۵	درآمد.....
۷۵	گفتار اول: نخبگان سیاسی دوران محمدرضا شاه.....
۷۸	گفتار دوم: محمدرضا شاه.....



۸۷.....	فصل پنجم: بازیگران تاریخی انقلاب ۱۳۵۷ در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی.....
۸۸.....	درآمد.....
۸۹.....	گفتار اول: رهبری انقلاب.....
۹۸.....	گفتار دوم: روحانیت.....
۱۰۷.....	گفتار سوم: مردم.....
۱۱۶.....	گفتار چهارم: نیروهای چپ مارکسیستی.....
۱۲۵.....	گفتار پنجم: نهضت آزادی.....
۱۳۳.....	فصل ششم: پدیده انقلاب اسلامی در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی.....
۱۳۴.....	درآمد.....
۱۳۴.....	گفتار اول: فرایند پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی.....
۱۴۰.....	گفتار دوم: مسأله انقلاب در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی.....
۱۵۱.....	نتیجه‌گیری.....
.....	فهرست مراجع .....

## پیشگفتار

زمانی که تاریخ‌نگاری به عنوان موضوع پایان‌نامه از طرف دکتر ملائی به من پیشنهاد شد، شناخت چندانی از موضوع نداشتم. مطالب جسته و گریخته‌ای درباره تاریخ‌نگاری خوانده بودم که هرگز نمی‌توانست برای انجام پایان‌نامه کافی باشد. ناآشنایی به موضوع مرا مجاب کرد که موضوع دیگری برای پایان‌نامه انتخاب کنم، اما هر عنوانی که انتخاب می‌کردم نمی‌توانست آن هیجانی که تاریخ‌نگاری با وجود ناآشنایی به آن، در ذهنم به وجود آورده بود، ایجاد کند. تصمیم گرفتم تاریخ‌نگاری را به عنوان موضوع تحقیق انتخاب کنم. برای آشنایی بیشتر با موضوع چند جلسه با استاد راهنما گفتم و گو کردم تا موضوع پایان‌نامه بیشتر در ذهنم جا بیفتد.

ابتدا ابهاماتی چون روش کار و نحوه پی‌ریزی مطالب مطرح بود اما هرچه بیشتر می‌اندیشیدم ابهامات بیشتری در ذهنم پدیدار می‌شد. بعد از مدتی به این نتیجه رسیدم که مشکل نه از ذهن من بود و نه تفهیم استاد، بلکه خود تاریخ‌نگاری عنوانی ابهام‌آور است.

تاریخ‌نگاری دنیائی بود که من باید می‌دانستم چه از آن می‌خواهم. تشبیه تاریخ‌نگاری به دنیا نه از این جهت که بخوایم در عنوان پایان‌نامه اغراق کنم، بلکه واقعاً بر این اعتقادم چون تاریخ‌نگاری با ذهن مورخ کار دارد و از همین رو مانند دنیائی بزرگ است.

ابهاماتم زمانی اندکی کاهش پیدا کرد، چرا که به این مهم پی‌بردم که برای فهم در تاریخ‌نگاری بیش از آن که نیازمند درک از روش خاصی در تاریخ‌نگاری باشم، نیازمند پاسخ به مسئله هستم که چگونه می‌توان به ذهن مورخ راه یافت؟

برای یافتن پاسخ این مسئله جرأت به خرج داده و تمام ذهنیت پیشین را دور ریختم و با ذهنی خام، بدون این که احساس کنم دانشجوی کارشناسی ارشد هستم که باید پایان‌نامه‌ای بنویسد، وارد دنیای اندیشه متفکرینی شدم که دغدغه آن‌ها پی‌بردن به اندیشه متفکرین بود. آن قدر در این وادی غور کردم که فکرم توانست با اندیشه دیگران سخن بگوید.

زمان آن فرا رسیده بود که از دنیای لذت‌بخش اندیشه‌ها بیرون آیم و به تاریخ‌نگاری نگاه کنم. حالا نگاهم به تاریخ‌نگاری دیگر توأم با ترس نبود چرا که ذهن من همانند موتوروی روغن‌کاری شده آماده بود در دنیای ذهنی مورخ قدم بگذارد. به مانند دانش‌آموزان ابتدایی که کلمات را بخش می‌کنند تا آن را بهتر بفهمند من نیز تاریخ‌نگاری

را بخش کردم: شد دو بخش، بخش اول تاریخ و بخش دوم نگاری یا نگارش. در مرحله اول ذهن خود را روی تاریخ متمرکز کردم.

برای شناخت تاریخ در کنار نوشته‌های دیگران به نوع انسان نیز توجه کردم چرا که دانش تاریخ محصول کار فکری انسان است نه چیزی دیگر. کارم کمی راحت شد چرا که من نیز انسانی بودم همانند هر انسانی که تاریخ را تولید می‌کند.

از نقاط ضعف و قوت، احساس و نیاز خود آگاهی داشتم. از وضعی که روزی می‌میرم و تجزیه می‌شوم آگاه بودم، از قوه تعقلی که انسان غارنشین را به انسانی که نه تنها زمین بلکه فضا را تصاحب کرده است آگاه بودم. از نیازها و احساساتم نیز آگاهی داشتم: می‌دانستم بدون نیازهای اولیه از پا خواهم افتاد، می‌دانستم که زمانی خوشحال می‌شوم و زمانی ناراحت، گاهی مغرور و گاهی متواضع، گاهی خائن و گاهی قهرمان، گاهی انسانی را از مرگ نجات می‌دهم و گاهی هم نوع خود را به کام مرگ می‌فرستم.

این نوع انسانی چون من است که نه تنها در زمان حال بلکه در گذشته نیز این‌گونه بوده است. از گذشته سخن گفتم اما نتوانستم آن را تاریخ فرض کنم، چرا که مورخی با این نقاط ضعف قوت، احساس و نیاز، گذشته را به تاریخ تبدیل کرده است.

وظیفه من این بود که با بررسی محصول کار مورخ از ذهن مورخ آگاهی پیدا کنم. نگاه به این محصول فکری توجه مرا به یک مسئله مهم جلب کرد و آن تاثیری است که این محصول فکری در زمان حال و یا حتی آینده ما دارد.

زمانی معتقد بودم تاریخ عرصه تاخت تاز اندیشه‌ها و روایت‌های مختلف است، اما حالا به این نتیجه رسیده‌ام که تاریخ را کلان روایت‌ها مشخص می‌کنند. کلان روایاتی که وابسته به قدرت هستند قدرتی که نه تنها در پیوند با حاکمیت بلکه در پیوند با عقلانیت قرار دارد. قدرتی که تخیل از گذشته را در قالب کلان قرار می‌دهد و به آن رنگ طبیعی و قدسی می‌بخشید؛ و وظیفه ما نیز این‌گونه تعریف شده بود که به آن خاضعانه بنگریم؛ اما پیش از آن باید به آن ایمان بیاوردیم و بعد به آن فکر می‌کردیم

در این میدان، اجباری در پذیرش این کلان روایت‌ها در کار نبود و می‌شد انتخاب کرد: بین آسانی یا دشواری، بین احترام یا تحقیر، بین شهرت یا گمنامی، هر انتخابی می‌توانست معادله را به هم زند: توانا را ناتوان، دانا را جاهل، فقیر را ثروتمند کند.

زمانی توجهم به کلان روایات این محصول فکری بیشتر شد که هر روز اخباری از کشتار هم نوعان خود را در رسانه‌ها می‌شنیدم، تصویری هولناک از سرشت تلخ مان که خود مسبب آن بودیم نه موجودی خیالی به نام اهریمن.

مسئله مهم در این بود که ما چه تعریفی از هویت خود و دیگران ارائه کرده‌ایم که انسان‌های متولدشده و یا در حال متولد شدن را به دشمن خونین یکدیگر تبدیل کرده است؟

به این نتیجه رسیدم که نقش کلان روایت‌ها در این تعریف هویت ما و دیگران نقش بسزایی داشته است. کلان روایت‌ها این امکان را برای ما ایجاد کرده است که عقل نقاد را کنار بگذاریم و سوار ماشین زمانی که خود برای ما ساخته است شویم تا به گذشته سفر کنیم تا به درستی، حقیقت تمام حسادت‌ها، کینه‌ها، جواز کشتارها، اطمینان حاصل کنیم.

اطمینان حاصل کنیم که همزمان با تولد «ما» دشمنانی نیز زاده شده‌اند، اطمینان حاصل کنیم که با «مای» خوبی، بدی نیز زاده شده است، اطمینان حاصل کنیم که عصر طلایی داشتیم و یا داریم که دیگرانی آن را نابود کرده و یا خواهند کرد، اطمینان حاصل کنیم که جوازی که در دستان ما است نه برای کشتن نوع خود بلکه برای پاک‌سازی دنیا از نیروی تاریکی است.

حال که تا حدی مفهوم دانش تاریخ را احساس کردم به بخش دوم تاریخ‌نگاری یعنی نگارش توجه نمودم. وظیفه من این بود که آثار تاریخ‌نگارانه جریان‌ی به نام نهضت آزادی را مشخص و رویکردشان را در مورد انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ بررسی کنم.

دغدغه اصلی من این نبود که حقیقت نهضت آزادی را در تاریخ‌نگاری‌شان نقد کنم، چرا که معتقدم حقیقت‌ها نه مطلق‌اند و نه نسبی بلکه متفاوت‌اند و همان قدر حقیقت در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی نسبت به انقلاب ۱۳۵۷ وجود دارد که حزب توده و یا هر جریان دیگری نسبت به انقلاب وجود دارد. هدف و دغدغه من این بود که رویکرد تاریخ‌نگاری نهضت آزادی به انقلاب ۱۳۵۷ را با کمک نشان دادن همبستگی بین گفتمان و تاریخ‌نگاری انجام دهم، در این مسیر مشکلاتی وجود داشت که بر سختی کار می‌افزود: نهضت آزادی جریان سیاسی غیرقانونی اما زنده‌ای در حاکمیت جمهوری اسلامی بود. افزون بر این، بسیاری از منابع نهضت آزادی بیشتر از آن که رنگ تاریخ‌نگارانه داشته باشد حکایت از بازی زبانی نهضت با دیگران و مسائل تئوریک مورد ادعای آن داشت.

در ادامه لازم است که از همه استادان گران‌قدر و محترم که در طول مراحل مختلف این پژوهش مرا یاری رساندند سپاسگزاری نمایم. از جناب آقای دکتر ملائی استاد محترم که در ایام نگارش پایان‌نامه همواره با صبر و حوصله

پاسخگوی پرسش‌ها و ابهامات نگارنده بودند و از راهنمایی‌های ارزشمند ایشان بهره فراوان برده‌ام، کمال تشکر و سپاس را دارم. از جناب آقای دکتر بصیرت منش که زحمت مشاوره این پایان‌نامه را تقبل فرمودند و با دقت نظر ایرادات کار را یادآور شدند، بی‌نهایت سپاسگزارم.

فصل اول:

چارچوب نظری و ادبیات پژوهش

## گفتار اول: روش، نظریه و ادبیات پژوهش

الف - بیان مسأله:

انقلاب اسلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های تاریخی نیمه دوم سده بیستم مورد توجه انبوهی از تاریخ‌نگاران، جامعه‌شناسان، نظریه‌پردازان انقلاب، اندیشمندان علم سیاست و نیز جریان‌های مختلف سیاسی قرار گرفته است. هر یک از این گروه‌ها با رویکردها و نگاه‌های متفاوتی به تفسیر و بازخوانی این رخداد بزرگ پرداخته‌اند. تاریخ‌نگاران نیز به سهم خود کوشیده‌اند به بازآفرینی پدیده انقلاب و وقایع آن پردازند. یکی از جریان‌های سیاسی فکری ایران معاصر که هم در پدیداری انقلاب و هم در تفسیر و تحلیل آن نقش ایفا کرد، نهضت آزادی است.

نهضت آزادی در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۰ با حضور سه شخصیت برجسته یعنی مهدی بازرگان، محمود طالقانی و یدالله سبحانی تأسیس شد و از آن پس با رویکرد ملی و مذهبی به عرصه منازعات سیاسی گام نهاد و بیش از پیش به روحانیان مبارز نزدیک شد. در آستانه پیروزی انقلاب، رهبر نهضت آزادی، ریاست دولت موقت را در دست گرفت. با عنایت به آن چه گفته شد، این مسئله پیش می‌آید که رویکرد اصلی نهضت آزادی در تاریخ‌نگاری انقلاب و بازآفرینی ذهنی آن چیست و تحولات منتهی به انقلاب ۱۳۵۷ چگونه در کتاب‌ها و آثار آن‌ها بازتاب یافته است؟ بر این اساس این پژوهش در نظر دارد که با کنکاش در آثار مکتوب برجای‌مانده نهضت آزادی، روایت این جریان را از انقلاب اسلامی مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد.

ب - سؤال اصلی و سؤالات فرعی:

سؤال اصلی:

رویکرد و جهت‌گیری اصلی تاریخ‌نگاری نهضت آزادی درباره انقلاب اسلامی ایران چیست؟

سؤالات فرعی:

- ۱- منابع تاریخ‌نگارانه نهضت آزادی کدام‌اند و تاریخ‌نگاری نهضت آزادی پیرامون انقلاب اسلامی را چگونه می‌توان گونه‌شناسی کرد؟
- ۲- تاریخ‌نگاری نهضت آزادی بر چه بینش و روشی مبتنی است؟ اصول و مبانی اصلی آن کدام است، مفاهیم و مؤلفه‌های اصلی آن چیست؟
- ۳- حاکمیت پهلوی چگونه در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی بازآفرینی شده است؟
- ۴- عملکرد بازیگران شرکت‌کننده در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ چگونه در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی بازتاب یافته است؟
- ۵- انقلاب و فرایند پیروزی انقلاب چگونه در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی بازآفرینی شده است؟

ج - ضرورت و اهمیت موضوع:

بررسی نحوه بازتاب انقلاب اسلامی در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی به عنوان جریانی که در پیروزی این انقلاب نقش داشته است از اهمیت بسزایی برخوردار است و از آن جا که تا کنون هیچ‌گونه پژوهش مستقلی در باب تاریخ‌نگاری نهضت آزادی انجام نشده است، هدف این پژوهش پرداختن به همین امر است.

بدین ترتیب این پایان‌نامه ضمن بررسی رویکرد تاریخ‌نگاری نهضت آزادی درباره انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ با هدف به آزمون گذاردن فرضیه‌ای که از چارچوب نظریه گفتمان گرفته شده است، نمونه‌ای عملی از شیوه پژوهش با موضوع تاریخ‌نگاری را در اختیار علاقه‌مندان به حوزه تاریخ‌نگاری قرار می‌دهد.

د - نحوه ارتباط موضوع با امام خمینی و انقلاب اسلامی:

نهضت آزادی در فضای سیاسی و فکری ایران چه در قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب نقش قابل ملاحظه‌ای داشت و همچنین روابط نهضت آزادی با امام خمینی در برهه‌های مختلف انقلاب نشانگر پیوند این موضوع با مطالعات امام و انقلاب است.



ه - پیش فرض‌ها:

- نهضت آزادی دارای تاریخ‌نگاری مختص خود می‌باشد.
- نهضت آزادی یکی از جریان‌های سیاسی است که در نگارش تاریخ انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به سهم خود شرکت داشته است.

و - مبانی نظری:

گذشته و تاریخ دو مقوله جدا از هم هستند. تاریخ به تعریف کیت جنکینز «گفتمانی از سلسله گفتمان‌هایی درباره جهان می‌باشد»<sup>۱</sup> بر این اساس هر مورخ یا پژوهشگر تاریخ در مواجهه با گذشته دارای فهم‌ها و پیش‌فهم‌هایی است که می‌توان آن را به گفتمان مورخ تعبیر کرد، گفتمانی که در نگاه به گذشته همراه مورخ است و بر اساس آن در گذشته انسانی دست به گزینش و معنا دهی می‌زند؛ بنابراین تاریخ‌نگاری کاری باظرافت و دقت و هیجان خاص است که گذشته‌های انسانی را با رویه‌های گفتمانی متفاوت و به صورت‌های متفاوتی معنا دهی و بازآفرینی می‌کند.

به این ترتیب یکی از شیوه‌های فهم و بررسی تاریخ‌نگاری اشخاص، گروه‌ها و یا دوره‌های تاریخی پی بردن به گفتمان حاکم بر آن‌هاست که گذشته را برای «مای» امروزی معنادار می‌کند. این گفتمان‌ها همیشه در حال تغییر و همواره از شکل خود خارج می‌شوند و باز شکل می‌گیرند؛ همیشه وضع می‌شوند و وضع می‌کنند؛ و همیشه بین گفتمانی که به مرحله هژمونی شدن رسیده با گفتمان‌های رقیب منازعه وجود دارد.

نورمن فر کلاف از معتقد است که: «نظریه گفتمان هرچند از دل تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه بیرون آمده اما همچون تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه صرفاً به عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده به جمله به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا توجه نمی‌کند بلکه فراتر از آن عوامل بیرون از متن یعنی بافت موقعیت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... مورد توجه و عنایت قرار می‌دهد.»<sup>۲</sup>

پس می‌توان گفت که مفهوم گفتمان تاکید بر فرایند اجتماعی دارد که مولد معناست و از درون گفتمان‌های متفاوت، جهان متفاوت، درک می‌شود. گفتمان نه تنها مربوط به چیزهایی است که می‌تواند گفته شود و یا درباره‌اش فکر شود بلکه درباره این نیز هست که چه کسی، در چه زمانی و با چه آمریتی می‌تواند صحبت کند؛ گفتمان مجسم‌کننده ارتباطات اجتماعی است، همچنین شکل‌دهنده ذهنیت و نیز ارتباطات اجتماعی - سیاسی (قدرت) است<sup>۳</sup> و تغییر در گفتمان تغییر در جهان اجتماعی را به همراه خواهد داشت گفتمان امری ثابت نیست

<sup>۱</sup> - کیت جنکینز، بازاندیشی تاریخ، ترجمه ساغر صادقیان، تهران: مرکز، ۱۳۸۴، چاپ اول، ص ۱

- نورمن فر کلاف، تحلیل گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۹، چاپ اول، ص ۸

- حمید عضدانلو، گفتمان و جامعه، تهران: نی، ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۱۷

بلکه به همان صورت‌بندی‌های مخصوص به خود در دوره‌هایی پا به عرصه حیات می‌گذارد و تحلیل گفتمان با اجتناب از پیش‌داوری مانند ساختارگرایی و نفی نگرش تک بعدی همچون اراده گرایی می‌کوشد در رابطه تقابل میان متن و زمینه (text and context) به فهمی روشن و کامل تر از واقعیات بازآفرینی شده در تاریخ‌نگاری دست یابد.

تبیین تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ بر پایه نظریه گفتمان بیان گر این است که افرادی به فراخور جایگاه و نوع گفتمان شان تاریخ انقلاب را روایت می‌کنند و آن را همان چیزی می‌دانند که فکر می‌کنند و بر اساس این پندار آن را معنا دهی می‌کنند. همین امر باعث می‌شود که گاهی تاریخ‌نگاری انقلاب به بازی زبانی تبدیل شود. به همین منظور و با این دید از نظریه تحلیل گفتمان به عنوان نظریه‌ای برای فهم و بررسی انقلاب اسلامی ۵۷ در تاریخ‌نگاری نهضت آزادی استفاده شده است؛ و نظریه گفتمانی ارنستو لاکلا و شانتال موفه دو اندیشمند سیاسی از قابلیت فوق‌العاده‌ای در تبیین پدیده‌های سیاسی و اجتماعی برخوردار است.

ز - فرضیه‌های پژوهش:

تاریخ‌نگاری نهضت آزادی به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و بازآفرینی آن متأثر از گفتمان نهضت آزادی است.

ح - تعریف مفاهیم، شاخص سازی و عملیاتی کردن مفاهیم:

❖ گذشته<sup>۴</sup>:

گذشته و تاریخ دو مفهوم اساسی در بحث تاریخ‌نگاری هستند. گذشته انسان، محور اصلی یا موضوع مطالعه علم تاریخ است. گذشته سرگذشت بشر است، بشری که روزی متولد می‌شود، رشد و نمو می‌کند، تحت تأثیر عوامل جسمانی، محیط، آداب و رسوم، نژاد، طبقه، ملت و شرایط بیولوژیکی و عوامل مشاهده نشدنی چون مذهب، تمدن و یا روح جهان قرار می‌گیرد. در این فرایند است که افراد گاهی در جایگاه قهرمان یا خائن، برنده یا بازنده، عاقل یا جاهل، خاص یا عام، فقیر یا ثروتمند قرار می‌گیرند و روزی می‌میرند. با مرگ انسان، انسانی دیگر متولد می‌شود و هستی که بشر در آن قرار دارد این‌گونه به حرکت خود ادامه می‌دهد و گذشته انسانی خواسته یا ناخواسته ایجاد می‌شود.

گذشته مفهومی عام است که هر فردی آزادانه در زمان حال خود به زندگی روزمره پرداخته است: فعالیت سیاسی، فعالیت اقتصادی، فعالیت علمی و فرهنگی، جنگ و صلح، غم و شادی و...

گذشته، تاریخ نیست، بلکه کاملاً متفاوت از آن است؛ و فقط به دلیل محوریت کار دانش تاریخ در ارتباط با گذشته، این دو مفهوم به هم نزدیک شده‌اند. به گفته جنکینز: «گذشته، گذشته است. گذشته و تاریخ مستقل از یکدیگر در حرکت‌اند»<sup>۵</sup>

## ❖ تاریخ<sup>۶</sup>:

تاریخ مجموعه‌ای از گفتمان‌های است که گذشته را برای "مای" امروزی تعریف می‌کند. فرایندی که انسان زمان حال به گذشته انسانی نگاه و آن را تولید می‌کند. تاریخ، تمام گذشته بشر را به تصویر نمی‌کشد بلکه بر اساس فهم‌ها و پیش فهم‌های انسان زمان حال، دست به تصرف و تفسیر گذشته می‌زند و می‌کوشد به روایت‌ها عینیت ببخشد؛ عینیتی که از رابطه میان گذشته و حال و آینده به وجود می‌آید، عینیتی که می‌تواند متضمن تجربه‌های مردم گذشته باشند. بر این اساس تاریخ گفتمانی است که این گذشته را باز تعریف و بازآفرینی می‌کند به گفته جنکینز «به همان میزان که یافتنی است به همان میزان تخیلی هم هست»<sup>۷</sup>

و یا به گفته ای. اچ. کار تاریخ «بر اثر کنش و واکنش مداوم مورخ و امور واقع نسبت به یکدیگر حاصل و می‌گردد، گفت و شنود بی‌پایان، حال و گذشته»<sup>۸</sup>

بر این اساس، در این کنش بشر گذشته موجودی نیست که بتواند آزادانه شرح حال خود را آن گونه که واقعاً بوده، منعکس کند، زیرا با مرگ وی این اختیار از او گرفته شده است و او را در قالب گفتمان مورخ تبدیل به عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی می‌کند که کارگردانی به نام مورخ آن را به حرکت در می‌آورد و باید به سرنوشتی که کارگردان در متن‌های تاریخی برای او مقرر کرده تن در دهد تا بتواند از گذشته مرده انسانی زنده بیرون آید. هر چند به سختی می‌توان رابطه بین کارگردان و عروسک بیان کرد اما به طور حتم می‌توان گفت که رابطه دو سویه‌ای بین مورخ به مثابه کارگردان و انسان گذشته یا گذشته انسانی به عنوان عروسک خیمه‌شب‌بازی برقرار است.

مورخ چون که محور کارش گذشته انسانی است پس به آن نیاز دارد، انسان گذشته هم با وجود نداشتن حیات به گفتمان تاریخی احتیاج دارد چرا که در دنیای مردگان است و برای زنده شدن و فراموش نشدن باید تن به گفتمان مورخ دهد تا زنده شود، زنده می‌شود اما نمی‌تواند آن گفتمانی که او را زنده کرده

<sup>۵</sup> - کیت جنکینز، بازاندیشی تاریخ، ترجمه ساغر صادقیان، تهران: مرکز، ۱۳۸۴، چاپ اول، ص ۲۲

<sup>۶</sup> - History

- همان، ص ۲۲

<sup>۸</sup> - ای. اچ. کار، تاریخ چیست، ترجمه حسن کامشاد، تهران: خوارزمی، ۱۳۸۷، چاپ ششم، ص ۵۹

درک کند اما می‌تواند وسیله درک آن می‌شود؛ بنابراین نه می‌شود نه می‌توان گذشته بشر را شامل کل گذشته دانست.

#### ❖ تاریخ‌نگاری<sup>۹</sup>:

تاریخ‌نگاری محصول کار و فعالیت ذهنی مورخ است. به گفته برنارد بابلین مورخ «کسی است که به توسعه مصنوعی خاطره عمومی به وسیله بازسازی شواهد گذشته در ابعاد آنچه که اتفاق افتاده می‌پردازد»<sup>۱۰</sup>

تاریخ‌نگاری فرایندی است که مورخ یا پژوهشگر طی آن گذشته کلی و مبهم انسان را به واقعه‌ای تاریخی تبدیل می‌کند و از بین کل گذشته انسانی آن را به «مای» حال معرفی و به آن ارزش می‌دهد. به این ترتیب کار مورخ گزینش است، مورخ دست به گزینش می‌زند گزینشی که کالینگوود از آن به عنوان سخن گفتن گذشته با مورخ یاد می‌کند؛ یعنی در ذهن مورخ آن قسمت از گذشته‌ای که با او سخن می‌گوید، عمل گزینش را انجام می‌دهد:

«گذشته انسانی چیزی را به مورخ می‌گوید که قسمت دیگر به او نمی‌گوید  
بنابراین هردو یا تمامی آن عبارات در تاریخ او گنجانده خواهد شد و برخی  
اوقات در می‌یابد که یکی از آن‌ها دیگری را نقض می‌کند آن گاه اگر راهی  
برای سازش بین آن‌ها نیابد باید تصمیم بگیرد از یکی از آن‌ها چشم‌پوشی کند.»<sup>۱۱</sup>

اما مسئله مهم این است که چه عواملی باعث گزینش در این توسعه مصنوعی و یا چه عواملی باعث می‌شود که قسمتی از گذشته چیزی را به مورخ بگوید که قسمت دیگر نمی‌تواند بگوید؟  
مهم‌ترین عواملی که مورخ را به گزینش در گذشته وامی‌دارد مجموعه‌ای از فهم‌ها و پیش‌فهم‌هایی است که در نگاه مورخ وجود دارد و در اندیشه او تأثیرگذار است، پیش‌فهم‌هایی که نه تنها مورخ بلکه هر فردی چه بخواهد چه نخواهد، چه بداند چه نداند دارای این پیش‌فهم‌ها است. عواملی چون: مذهب، سنت، فرهنگ و تمدن اولین پایه فکری مورخ محسوب می‌شود؛ و کنار آن فهم‌ها، فهم‌های اکتسابی وجود دارند که هر فردی که بخواهد می‌تواند آن را کسب کند و این شناخت یا معرفت به عنوان دومین پایه فکری مورخ شناخته می‌شود.

<sup>9</sup> - Historiography

<sup>۱۰</sup> - برنارد بابلین، تاریخ آموزی و تاریخ‌نگاری، ترجمه مرتضی نورانی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۸۹، جاپ اول، ص ۲۰

<sup>۱۱</sup> - رابین جرج کالینگوود، مفهوم کلی تاریخ، ترجمه علی اکبر مهدیان، تهران: اختران، ۱۳۸۵، چاپ اول، ص ۱۵۴